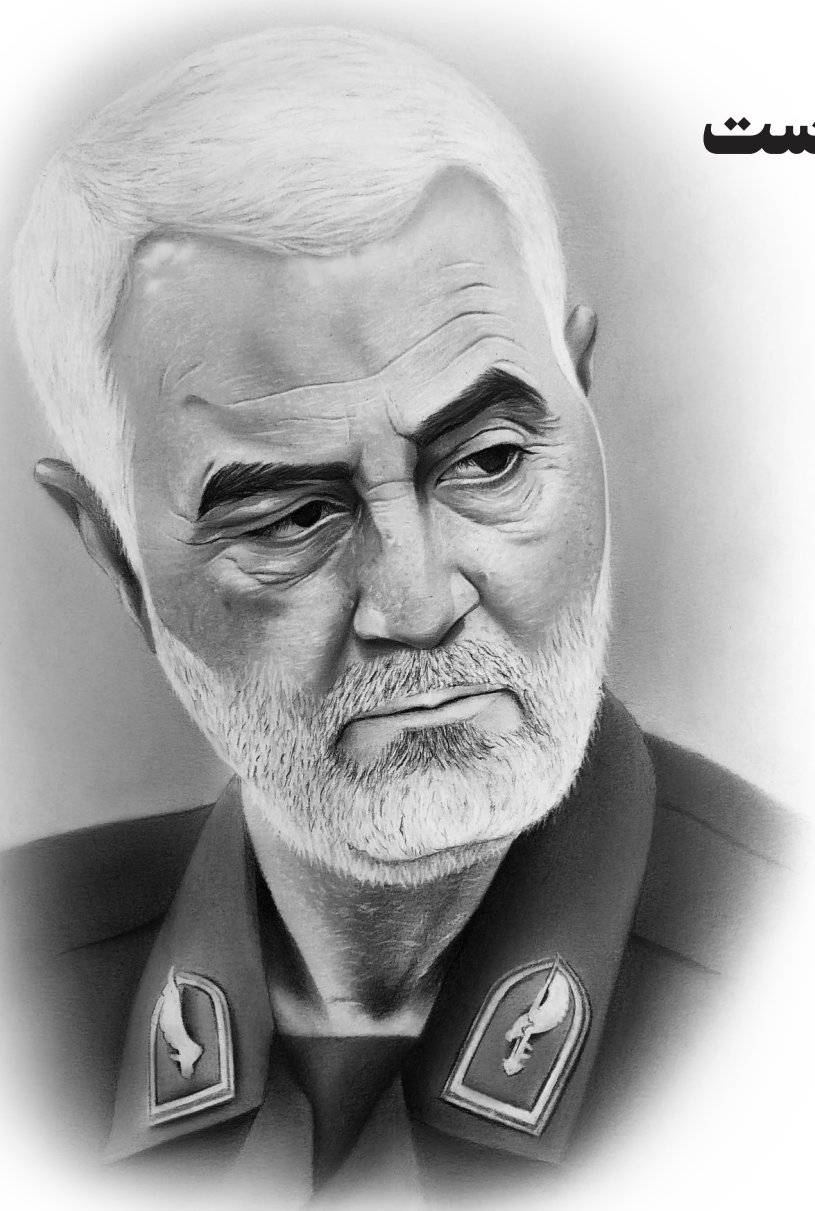


مالک افتاد زمین

تیغ، ولی دست علی ست



گاهی اوقات اتفاقات چنان پرسرعت رخ می‌دهند که انگار زمانه را روی دور تند خود گذاشته‌اند. هفته‌ای که گذشت بدون شک یکی از همین ایام است. یک واقعه کاری کرد که جبهه‌ی حق چندین پله بالاتر رفت. شهادت حاج قاسم، سردار دلها، بیشتر از آنچه تصور می‌شد اثر گذاشت. دقیقا یک هفته‌ی قبل، در صبح جمعه بود که خبری ناگهان تمام دنیا را در بهت فرو برد. خبر سنگین بود و دردناک. تمام ملت ایران، که تمام نیروهای مقاومت را غم و خشم فراگرفت. دل‌ها به جوش آمده بود. در همین سرخس خودمان، یکی از نصاب‌های مردمی در حضور در نماز جمعه شکست. همه نیاز به التیام زخم دل و اعلام آمادگی برای انتقام داشتیم. اینچنین یکی شدن مردم و حضورشان در راهپیمایی بعد از نماز جمعه، کاری نبود که از دست هیچ سازمان و نهادی بریاید. دل‌ها دست خداست و او، خود همه را به میدان کشید. از داغ دل مردم که بگذریم؛ و از اشک‌های مردانمان وقتی که لباس سبز سپاه را می‌دیدند اگر عبور کنیم؛ کم‌کم زمزمه‌ی انتقام سخت بین مردم پیچید. در تشییع میلیونی شهیدایمان و در نماز اشک‌آلود آقایمان بر شهدا، بغضی نهفته بود که جز با انتقام آرام نمی‌شد. از عراق و یمن گرفته تا هند و سوریه و لبنان همه حرف از انتقام می‌زدند. این میان عده‌ای تلاش کردند که ملت را در آزمون بزرگ انتقام سرفراکنده کنند. نامه‌ها و بیانیه‌ها نوشتند و از فضای مسموم مجازی برای ایجاد رعب دروغین از آمریکا در مردم استفاده کردند. در حرف‌هایشان از لزوم تنش‌زدایی می‌گفتند. ترس خودشان از ابرقدرت‌ها را تئوریزه کردند و از ادب انتقام گفتند. درد

شجاعانه پای خون سردار ماندند. در تشییع او که حماسه‌ای تاریخی را در هر شهر رقم زد گفتند که آمریکا را بی‌جواب نخواهیم گذاشت. مشت قوی مردم و صدای رسایشان در رویارویی محکم، قاطعانه و پشیمان‌کننده با دشمن، دست ولی را قوت بخشید و نهایت (ادامه در صفحه ۴)

آنجایی بود که با ادبیاتی صلح‌طلبانه و مذهبی، شبهه در دل‌ها می‌پروراندند و ما را از جنگ می‌ترساندند. این ویژگی همیشگی منافقان است که قدرت دشمن را بزرگ می‌پندارند و از قدرت خدا غافل‌اند. پمپاژ رسانه‌ای شروع شد و تحلیل‌های بزدلانه، از لزوم عقب‌نشینی جبهه‌ی مقاومت از حق انتقام انتشار پیدا می‌کرد. مردم اما یکصدا و

همین حرکت یک تعدادی از مردم با اخلاص قم، یک چنین انقلاب عظیمی را کلید زد. البته عوامل زیادی وجود دارد؛ مهم این است که سرآغاز حرکت، یک اقدام مردمی از روی ایمان و غیرت دینی بود؛ این باید همیشه یادمان باشد. ما می‌توانیم به برکت ایمان و غیرت دینی کارهای بزرگی انجام بدهیم؛ همچنان که در این قضیه [ی شهادت شهید سلیمانی و همراهانش] کار بزرگی انجام گرفت. حادثه‌ی بزرگی انجام گرفت، انقلابی به وجود آمد که دنیا را تکان داد، متحول کرد و تاریخ را، مسیر تاریخ کشور را، مسیر تاریخ منطقه را و شاید مسیر تاریخ جهان را - که بعدها قضاوت خواهد شد - تغییر داد. به کمک الهی با این چشم نگاه کنیم؛ هدایت الهی و دست قدرت الهی را این جور ببینیم در همه‌ی حوادث زندگی‌مان. ۱۳۹۸/۱۰/۱۸



دوگانه‌های منافق‌پسند

دوگانه‌های «جمهوری‌خواه-دموکرات» و «ترامپ-سایر مسئولین آمریکا» توسط چه جریانی ساخته می‌شود؟

در طول تاریخ آمریکا این اجماع در دشمنی با ایران به‌خوبی دیده می‌شود. بیشترین تحریم‌های تحمیلی به جمهوری اسلامی در دوران روسای جمهور حزب دموکرات، بیل کلینتون و اوباما اتفاق افتاد. جنگ تحمیلی نیز با چراغ سبز کارتر، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا، به صدام کلید خورد؛ و تمام این موضوعات در مجلسی از نمایندگان هر دو حزب تصویب شد. آنچه بعضاً به‌صورت اختلاف در بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در رابطه با ایران وجود دارد بیشتر به شیوه‌ی دشمنی برمی‌گردد. دموکرات‌ها ترس بیشتری از رویارویی مستقیم نظامی با ایران دارند و به همین دلیل محتاطانه‌تر در این مسیر قدم برمی‌دارند.

اما جنبه‌ی مبنایی و مهم‌تر رویارویی بین جمهوری اسلامی و ایالات‌متحده از این دوقطبی حزبی در آمریکا فراتر رفته و حتی نظریه‌ی «برخورد دو قدرت» را رد می‌کند. اگر منازعه‌ی بین این دو کشور را صرفاً یک جنگ بر سر استیلا بر دنیا بدانیم، در اتفاقاتی که برای هر دو طرف هزینه‌های سنگینی داشتند، به تناقض در نظریه‌ی برخورد دو قدرت می‌رسیم. اگر آمریکا و ایران صرفاً دو قدرت در حال جنگ (مثل چین و آمریکا) باشند ترجیح بر آن است در مواردی که برای هر دو طرف هزینه‌های سنگینی دارد (مثل تحریم‌های اقتصادی که فشار زیادی به خود آمریکا نیز وارد می‌کند) به مصالحه‌ی دو طرف برسیم. دو

نامید. سناتور کوین مک‌کارتی نیز از شهادت سردار قاسم سلیمانی استقبال کرد و نوشت: «مرگ (شهادت سردار) سلیمانی حامل این پیام برای ایران و جهان است که حمله به آمریکایی‌ها بدون مجازات نمی‌ماند». این گفته‌ها به‌نوعی برآیند نظرات افراد شاخص حزب موافق ترامپ بوده است.

در سمت مقابل و در جناح دموکرات نیز به‌طور کلی اوضاع به همین منوال است. «واکنش رقبای سیاسی ترامپ به اقدام او در حذف فرماندهی نیروی قدس سپاه در مجموع در تأیید او بود. بسیاری از سیاستمداران دموکرات آمریکایی ضمن تأیید آن که قاسم سلیمانی برای کشورشان چهره‌ی منفوری بوده است، باین حال کشتن او را اقدامی خطرناک توصیف کردند که ممکن است به بروز جنگی دوباره در خاورمیانه بینجامد. نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا از حزب دموکرات که یکی از جدی‌ترین منتقدان ترامپ به شمار می‌رود ضمن تأیید اهمیت حفظ منافع آمریکایی‌ها توسط رئیس‌جمهوری، تنها به خطرات احتمالی ناشی از این حرکت اشاره کرده و گفت که ترامپ می‌بایست پیش از حمله با نمایندگان مشورت می‌کرد.» (به نقل مستقیم از خبرگزاری یورونیوز). آن چیزی که در برآیند نظرات احزاب آمریکایی نمایان است، تأیید کلی این اقدام و حمایت از آن، در کنار اظهار بعضی نگرانی‌ها از این جنایت است؛ آن‌هم نگرانی برای امنیت آمریکا.

لابه‌لای خبرهای داغ این ایام، بعضی تحلیل‌ها مثل موربانه جامعه‌ی اسلامی را از درون تهدید می‌کنند. بعضی گفته‌ها در میان انبوه اخبار هرچند در ظاهر به دفاع از جبهه‌ی حق بیان می‌شوند، اما باطنی خطرناک دارند. یکی از تفسیرهای رایج بعد از شهادت سردار قاسم سلیمانی، ترامپ را یگانه مسئول این جنایت می‌داند که انگار تمامی مشکلات ما و آمریکا به دلیل وجود این فرد در رأس حکومت آمریکا است. اما آیا حساب ترامپ از آمریکا جداست؟ آیا می‌توان گفت دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی با کنار رفتن ترامپ تمام می‌شود یا کاهش میابد؟ آیا روش برخورد آمریکا با جمهوری اسلامی به افراد متکی است؟

برای شروع بد نیست اگر به واکنش مسئولین آمریکا در همین اتفاقات اخیر توجه کنیم. مارکو روبیو، سناتور جمهوری‌خواه آمریکا ابتدا سردار قاسم سلیمانی را «تروریست» نامید و سپس اقدام ترامپ را به‌طور کامل و قاطع تأیید کرد. همچنین تام کاتن نیز واکنشی مشابه به این اتفاق نشان داد. لیندسی گراهام از جناح محافظه‌کار آمریکا در این مورد نوشته است: «وقتی صحبت از کشتن سردار قاسم سلیمانی باشد، هیچ‌کس خود را از این بابت سرزنش نمی‌کند». میت رامنی، دیگر سناتور جمهوری‌خواه آمریکا، از اقدام ترامپ حمایت کرد و سردار قاسم سلیمانی را به‌عنوان فردی که خدمت‌کنندگان به آمریکا را کشته، تروریست

هفته‌ی آینده در گذشته!

۱۳۸۸ دی ۲۲

شهادت دکتر مسعود علی محمدی

دکتر مسعود علی محمدی، استاد برجسته‌ی فیزیک دانشگاه تهران، هنگام خروج از منزلش در یک عملیات تروریستی بر اثر انفجار بمب کنترل از راه دور ترور شد و به شهادت رسید.

۱۳۵۷ دی ۲۱

لغو کلیه‌ی پروازها به علت گسترده‌ی اعتصابات

کلیه‌ی پروازهای داخلی و خارجی ایران به علت گسترده‌ی اعتصابات کارکنان فرودگاه به مدت نامعلومی لغو شد.

۱۳۶۵ دی ۲۰

حملات موشکی رژیم بعث عراق به دو شهر دزفول و بروجرد

در پی حملات موشکی رژیم بعث عراق به دو شهر دزفول و بروجرد، ۹۰ تن از مردم به شهادت رسیدند.

امام علی (علیه السلام)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: من برای امتی نه از مومن می‌ترسم و نه از مشرک؛ زیرا مومن را خداوند به واسطه ایمانش جلوگیری می‌کند و مشرک را خداوند به سبب شرکش از پای درمی‌آورد. اما ترس من برای شما از منافق زبان‌بازی است که مطابق اعتقادات شما سخن می‌گوید و برخلاف آنچه معتقدید عمل می‌کند. (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

این است که جریان نفاق در جامعه‌ی اسلامی هرگاه به نحوی سعی در تطهیر کفار در اذهان عمومی برای ایجاد رابطه با آنان دارد. تقلیل دشمنی «آمریکا با ایران» به دشمنی «ترامپ با ایران» یکی از این تلاش‌هاست. در این رویکرد سعی بر خراب کردن تمامی کاسه‌ها بر سر مهره‌ی سوخته‌ی مذاکره (ترامپ) است تا به نحوی احتمال مذاکره با جریان‌های دیگر را زنده نگه‌دارند؛ روزی به غرب متوسل می‌شوند و روزی دیگر به جریان‌های مخالف ترامپ در آمریکا. اما هدف نهایی این جریان ارائه‌ی تصویر غلط و آدرس عوضی در دشمنی بین دو جبهه‌ی حق و باطل است.

خون سردار شهیدمان فعلاً تصویر اشتباه منافق‌پسند مذکور را شسته است و عموم مردم متوجه دشمنی عمیق آمریکا با جمهوری اسلامی شده‌اند. اما رسانه‌های داخلی و خارجی جریان نفاق دوباره به پمپاژ دوگانه‌های غلط می‌پردازند. لازم است ما هم مَهر دشمنی با آمریکا را برای همیشه بر ذهن و روحمان حک کنیم.

ارتباطات بین کره‌ی خاکی به نهایت سرعت خود رسیده، امکان حضور دو تمدن با دو غایت متضاد وجود ندارد.

اما ورای تمامی این تحلیل‌ها و نظرات، که به روشنی نشان‌دهنده‌ی تعارض همیشگی بین جمهوری اسلامی و ایالات متحده است، یک موضوع اهمیت می‌یابد. چرا عده‌ای در داخل حکومت اسلامی سعی بر تطهیر بخشی از آمریکاییان در این دشمنی دارند؟ این افراد چه نفعی از تحلیل‌هایی می‌برند که ترامپ یا جمهوری خواهان در آن‌ها پررنگ است؟

بنا به نص صریح آیات قرآن، منافقان تمایلی همیشگی به جریان کفر در نهان‌خانه‌های قلبی خود دارند. این تمایل (که خودش برآمده از یکی بودن منافقان و کافران در عالم حقیقت است) سعی می‌کند به نحوی رابطه‌ی جامعه‌ی اسلامی با کفار را تقویت کند. بررسی قرآنی موضوع منافقان را که اهمیت زیادی در ایام فعلی دارد ان‌شاءالله در شماره‌های بعدی همین نشریه خواهیم داشت. اما آنچه فعلاً باید به آن اشاره کرد

قدرت هیچ‌گاه حاضر به نابودی طرف مقابل در ازای نابودی خودشان نیستند. اینجاست که تحلیل‌هایی که در آن برخورد بین جمهوری اسلامی و آمریکا را برخورد دو قدرت می‌بینند ناچار به سکوت می‌شوند.

آنچه در این دشمنی روشن است لایه‌های عمیق تمدنی و معرفتی در دو سمت این دشمنی است. اساساً حکومت بر پایه‌ی اصالت انسان (اومانیزم) آمریکایی نمی‌تواند با حکومت بر پایه‌ی عبودیت الهی (که در بالاترین سطوح آن هم مبنا بر ولایت است) کنار بیاید. این دو معرفت و جهان‌بینی تضاد مبنایی با یکدیگر دارند. تقویت هر یک، تضعیف دیگری است. همین اختلاف در لایه‌ی تمدنی نیز دیده می‌شود. تمدن مبتنی بر اسلام که در آن انسان، عبد خدا محسوب می‌شود با تمدنی که در آن انسان، حیوانی باهوش است که برای لذت بردن به دنیا آمده از اقتصاد گرفته تا سیاست خارجه و بنیان‌های اجتماعی متفاوت است. در یکی هدف، رسیدن به انسان کامل است و برپایی حکومت عدل و در دیگری هدف، ساختن بهشت زمینی در سایه‌ی نفی هر غیبی است. می‌دانیم که در عصر فعلی که



۱۳۵۲ دی ۲۵

فرار خاندان سلطنتی از کشور به آمریکا

اعضای خاندان سلطنتی از کشور فرار کردند. فریده دیبا مادر فرح پهلوی به اتفاق علیرضا و لیلا پهلوی، سپهد هاشمی‌نژاد و آتابای امروز با یک هواپیمای نظامی رهسپار آمریکا شدند.

۱۳۵۲ دی ۲۴

پایین کشیدن مجسمه‌ی محمدرضا پهلوی در کرمان

مردم کرمان امروز مجسمه‌های محمدرضا پهلوی را از میدان‌های اصلی شهر پایین کشیدند.

۱۳۵۹ دی ۲۳

اولین حمله‌ی شیمیایی رژیم بعث عراق علیه مواضع جمهوری اسلامی

اولین حمله و بمباران شیمیایی رژیم بعث عراق علیه یکی از مواضع جمهوری اسلامی ایران در پنجاه کیلومتری غرب ایلام صورت گرفت.

کدخدا را برسانید! زمان، مست علی است...



تشت رسوایی یک جریان فکری این روزها بدجوری از بام به زمین افتاده. صرفاً جهت یادآوری یک تفکر فوت شده...



دنیای فردا، دنیای #گفتمان هاست نه موشک ها...

Translate from Persian

تیتراک

(ادامه از صفحه ۱)

سیلی اول را با چند موشک، دقیق و عزتمندانه به دشمن زدیم. این برخورد نظامی قاطع اولاً نشان داد ما ترسی از رویارویی با دشمنان نداریم. اگر شعار می‌دهیم پای آن می‌ایستیم و به عمل تبدیلش می‌کنیم. ثانیاً نشان داد برخلاف زمزمه‌های منافقانه‌ی عده‌ای، دشمن جرئت واکنش متقابل را ندارد و خفت‌مندانه ساکت می‌ماند. ثالثاً قدرت نظامی مقتدرانه‌ی جمهوری اسلامی را نشان داد که در اوج آمادگی دشمن، راهبردی‌ترین، گران‌ترین، مجهزترین و پرادعترین پایگاه آمریکا در عمق خاک عراق را نشانه رفته و سامانه‌های ضد موشکی مستکبران را به سخره می‌گیرد. البته که این شروع ماجراست. اشک آقایمان را درآوردند و ما هم تا زاری مسئولان آمریکا پیش خواهیم رفت. پایان کار را ما تعیین خواهیم کرد به حول و قوه‌ی الهی و مدد صاحب‌الزمان. انتقام سخت مقاومت از مستکبران در مرحله‌ی اول خود است. این قصه سر درازی خواهد داشت که سیلی اولش را تا اینجا دیده‌ایم. یقیناً برای تمامی مراحل جهاد مقابل دشمن نیاز به مقاومت و ثبات مردم است. جوانان ایرانی که نقطه‌ی امید کشور هستند بار سنگین این جهاد را بیش از سایرین برعهده دارند. باید دانست که گرچه مالک افتاد زمین، تیغ ولی دست علی است. ما را چه باک از جهاد در راه رضایت امام غایبمان که هر دو نتیجه‌ی جهاد در راه خدا پیروزی است.

شعله‌ور شد در و دیوار حرم، سینه شکست بعد مالک، به تن حوصله، سر، سنگین است دیدن بغض علی در غم زهرا سخت است کشته شد مالک اگر، غیرت مالک باقی‌ست تشنه لب بود و لب آب تحمل می‌کرد مالک انگار که در برک‌هی خون می‌رقصد خبر از مصحف امّ الشهدا آمده است این چه زخمی‌ست که باشد ز غسل شیرین‌تر آمده مادر سادات به استقبالش چه بگویم به چه حالی بغلش کرد خدا قبله باقی‌ست فقط قبله‌نما را کشتند صد چنین قبله‌نما هست بگو با صهیون روضه قاسم ما نیز به گودال کشید چند سالی‌ست که ما منتظر این خبریم مالک افتاد زمین، تیغ، ولی دست علی‌ست ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست مالک افتاد ولی خشم مقدس زنده‌ست حاج قاسم یکی از مردم ایران باشد همه‌ی مردم ما مالک اشتر شده‌اند باکی از کشته شدن نیست، سعادت این است خوش به حالش که علی از دل او خرسند است روضه خوان‌ها خبر از سم ستوران دادند مالک و قاسم هر عهد، شهیدان تو اند اول روضه‌گریزی به شهیدان زده‌ایم کربلا آخر دنیاست بگو با صهیون اربا اربا شده‌ی اکبر لیلا باشیم تیغ خیبر شکنی، ارث سلیمانی بود خون ما بت‌شکنان، گور بتان را کنده است زخم ارثیه زهراست بگو با صهیون راه باز است اگر سیدعلی فرمانده‌ست

احمد بابایی

در رگ حادثه، خون موج زد، آیینه شکست خون مالک به زمین ریخت، خبر سنگین است اشک آغاز جنون است، تماشا سخت است خون ما وجه سلوک است که سالک باقی‌ست شعله‌ور بود و به ققنوس، توسل می‌کرد وسط معرکه غوغاست، جنون می‌رقصد شعله‌ور بود خبر، دل به صدا آمده است سنگ باران شده قاسم، شده دل، خونین‌تر وسط معرکه غوغاست شکسته بالش جلوه آیینه طلب شد غزلش کرد خدا چه بگویم به چه حالی یل ما را کشتند قبله باقی‌ست، خدا هست، بگو با صهیون عاقبت مسح جنون، خون به پر و بال کشید بت بگو، بی سروپا باش، سراپا تبریم کدخدا را برسانید! زمان، مست علی‌ست کدخدا را برسانید که خون ارزان نیست کدخدا را برسانید که حق تابنده‌ست زخم شمشیر اگر خورد به شیران باشد چله‌ای هست که سردار نه بی سر شده‌اند دل ما سوخت در این روضه خبر سنگین است مالک افتاد زمین، قیمت حسرت چند است نوبت روضه‌ی قاسم شد و جولان دادند یا علی، اهل حرم دست به دامان تو اند سر صبحی دم از آن زلف پریشان زده‌ایم خطبه‌خوان زینب کبراست بگو با صهیون در عطش چاره همین بود که دریا باشیم سامرا تا به حلب جمع پریشانی بود کدخدا را برسان! جلوه به زخم آکنده‌ست زخم و خون آرزوی ماست، بگو با صهیون صبح صادق زده و ضربت آخر مانده‌ست

هزینه: ارسال نظر پیرامون

نشریه‌ی گفتمان به شماره‌ی

پیامکی نشریه

هزینه‌ی چاپ این نشریه از محل بودجه‌ی

فرهنگی این مملکت و برای اعتلای اندیشه و فرهنگ مردممان تهیه شده است. لطفاً بعد از مطالعه، آن را

در اختیار سایر هم‌جبهه‌ای‌ها قرار دهید.

گفتمان در فضای مجازی (بله، تلگرام):
@gofteman_sarakhs

شماره‌ی پیامک نشریه‌ی گفتمان:
۰۹۰۲ ۵۸۵ ۵۷۹۵